وَ لا أَظُنُّ أَنَّ هُناكَ كُتُباً مُكَرَّرَةً؛ لِأَنّي أَعتَقِدُ أَنَّ الْفِكْرَةَ الْواحِدَةَ إِذا طَرَحَها أَلْفُ
و گمان نمی‌کنم که کتاب‌های تکراری وجود داشته باشد؛ زیرا من اعتقاد دارم که یک ایده هرگاه مطرح کننده آن را هزار
كاتِبٍ، أَصْبَحَتْ أَلْفَ فِكْرَةٍ. وَ لِهٰذا أُريدُ أَنْ أَقْرَأَ في الْمَوضوعِ الْواحِدِ آراءَ عِدَّةِ
نویسنده هزار ایده می‌شود. و به همین خاطر می‌خواهم که بخوانم در یک موضوع نظرات تعدادی از
كُتّابٍ؛ لِأَنَّ هٰذا الْعَمَلَ أَمتَعُ وَ أَنْفَعُ مِنْ قِراءَةِ الْمَوضوعاتِ الْمُتَعَدِّدَةِ، فَمَثَلاً أَقْرَأُ
نویسندگان را؛ زیرا این کار لذت بخش‌تر و سودمندتر از خواندن موضوع‌های گوناگون است، پس مثلاً می‌خوانم
في حَياةِ «نابليون» آراءَ ثَلاثينَ كاتِباً، وَ أَنا واثِقٌ أَنَّ كُلَّ كاتِبٍ قَدْ وَصَفَ نابليون
در زندگی «ناپلئون» نظرات سی نویسنده را، و من مطمئنم که هر نویسنده‌ای توصیف کرده است ناپلئون را
بِأَوْصافٍ لا تُشْبِهُ أَوْصافَ الْكُتّابِ الْآخَرينَ.
با ویژگی‌هایی که شباهت ندارد با ویژگی‌های نویسندگان دیگر.
فَرُبَّ كِتابٍ يَجْتَهِدُ الْقارِئُ في قِراءَتِهِ، ثُمَّ لا يَخْرُجُ مِنْهُ بِفائِدَةٍ، وَ رُبَّ كِتابٍ
پس چه بسا کتابی که تلاش می‌کند خواننده در خواندن آن، سپس خارج نمی‌شود از آن با فایده‌ای، و چه بسا کتابی که
يَتَصَفَّحُهُ قارِئُهُ؛ فَيُؤَثِّرُ في نَفْسِهِ تَأْثيراً عَميقاً يَظْهَرُ في آرائِهِ. أَمّا الْكِتابُ الْمُفيدُ
ورق می‌زند آن را خواننده‌اش؛ پس تأثیر می‌گذارد در روحش عمیقاً به طوری که ظاهر می‌شود در اندیشه‌هایش. اما کتاب مفید
فَهُوَ الَّذي يَزيدُ مَعْرِفَتَكَ في الْحَياةِ وَ قُوَّتَكَ عَلَى الْفَهْمِ وَ الْعَمَلِ، فَإِذا وَجَدْتَ
آن کتابی است که افزایش می‌دهد شناخت تو را در زندگی و قدرت تو را در فهمیدن و عمل کردن، پس اگر یافتی
ذٰلِكَ في كِتابٍ، كانَ جَديراً بِالْعِنايَةِ وَ التَّقْديرِ.
آن را در کتابی، پس او شایسته توجه و قدردانی.
اَلْعَقّادُ أَديبٌ وَ صَحَفِيٌّ وَ مُفَكِّرٌ وَ شاعِرٌ مِصْرِيٌّ؛ أُمُّهُ مِنْ أَصْلٍ كُرْدِيٍّ. فَكانَ الْعَقّادُ
عقاد ادیب و روزنامه‌نگار و اندیشمند و شاعری مصری است؛ مادرش در اصل کُردی است. بنابراین عقاد
لا يَرَى الْجَمالَ إِلّا الْحُرِّيَّةَ؛ وَ لِهٰذا لا نُشاهِدُ في حَياتِهِ إِلّا النَّشاطَ عَلَى رَغْمِ ظُروفِهِ
زیبایی را مگر آزادی؛ و به همین دلیل مشاهده نمی‌کنیم در زندگی‌اش جز فعالیت با وجود شرایط
الْقاسِيَةِ.
دشوارش.







